

جشنواره عکس خانه دوست و جوهره متافیزیک موضوع

کمیته علمی جشنواره

معتقد است که ما اساساً در مجمع الجزایر زبانی زیست می کنیم و خیال می کنیم که به واسطه ی زبان، با هم ارتباط برقرار می کنیم اما آنچه عملاً اتفاق می افتد مکالمه با زبان های گونه گونه است و مشابهت ها و اشتراکات کلامی، امر را بر ما مشتبه ساخته است که زبان می تواند نشانی دقیقی از امر ذهنی به دست بدهد یا مختصات آن را دقیق ترسیم کند! چرا که اساساً زبان و کلام، در وهله ی نخست، ساده ترین و دم دستی ترین ابزار یا رسانه ای است که خط ارتباطی بین دنیای درون و بیرون یا خط ارتباطی بین درونیات آدمهاست اما همه ی اتفاق وقتی می افتد که قرار است یک حس یا یک مفهوم، به کلام، ترجمه شود و این کلام، ارجاعی باشد به آن امر درونی و ذهنی! و اینجاست که واژگان، نسبت به انتقال مفاهیم، الکن اند و به درستی و کمال، نمی توانند بار یک مفهوم یا حس خاص را به دوش بکشند.

وقتی کلام و زبان، که یکی از قدرتمندترین ابزارهای ارتباطی است و گاه تنها ابزاری برقراری ارتباط، در ارجاع دقیق به مفهومی حسی یا معنوی یا فلسفی یا انتزاعی لنگ می زند، تکلیف دیگر رسانه ها در این میان روشن است....

هنر نیز به مثابه یک رسانه، ابزار انتقال درونیات هنرمند به بیرون است اما مؤلفه های هنری بودن یک پدیده و به عبارت بهتر مؤلفه های ارزش گذاری اثر هنری، ربط وثیقی با مسأله

پرداختن به مضامین حسی، معنوی، فلسفی یا انتزاعی، و ارائه ی این مضامین، با هر مدیومی که باشد، اگرچه ممکن است در بدو امر، سهل و دست یافتنی به نظر برسد، اما با مختصری اندیشه، ناگزیر به این نکته هدایت خواهیم شد که اگر نکوییم ناممکن، دست کم، بسیار دشوار و پیچیده است و هزار نکته ی باریکتر از مو آنجاست!

تبدیل امر ذهنی به کلام، که به جهت کثرت مواجهه با آن، بسیار بدیهی به نظر می رسد، خود، مصداق سخن بالاست. و بی جهت نیست که زبانشناسی همچون «ویتگنشتاین»



عکس: احسان قنبری فرد

کم و بیش مستقیم هم نیاز است و این پارادوکسی ست که از آن گریزی نیست!

پرهیز از مولفه های عکاسی گزارشی در برخورد با موضوع «زیارت»، توجه به بسترها و پیش زمینه های فرهنگی و اجتماعی زیارت، دقت در مفهوم و آثار زیارت و رویکردهای متفاوت آدمها نسبت به آن در خارج از مکان زیارتی، وابستگی ها و ارتباطات حسی آدمها و نیز فعالیت های گوناگون با مسئله ی زیارت، خلاصه نکردن موضوع در بازتابی فضاهای معماری حرم و خرائران درون این فضا، همچنین پرهیز از نگاه فرمالیستی صرف به موضوع و تأکید بر درامای عکس، از جمله مواردی ست که به عکاس در خروج از لایه های یکنواخت و ملال آور موضوع و رسیدن به بیانی نو و نگاه تازه و عکاسانه به مفهوم زیارت و جنبه های متافیزیکی آن، کمک خواهد کرد و احتمالاً در داوری عکسها هم مدنظر قرار خواهد گرفت.

بنابراین قابل تصور است که حساسیت و دشواری کار تا کجاست. بنا به نظر «سوزان سانتاگ» اگرچه غالب عکاسان، به گونه ای ضمنی و نامحسوس، به این مسئله ی خرافی که شانس و اقبال ممکن است در لحظه ای خاص، سوشره ی ویژه ای را برای ایشان فراهم آورد و با ثبت آن به شهرت و موفقیت دست یازند، اما حقیقت آن است که بسیاری از بهترین عکس ها، حاصل کار عکاسانی ست که دارای هدفی جدی و ویژه بوده اند و پیش از اقدام به عکاسی، به تفکر درباره ی آنچه قرار است در چشم دوربین شان قرار گیرد پرداخته اند، نه آنها که دوربین به دست به دنبال «سوشره» می گردند. توجه به همین نکته، و تفکر پیش از عکاسی و حتی نوشتن ایده ها و صیقل زدن آن و سپس پیش رفتن بر اساس طرحی فکر شده، عکاس را به موفقیت نزدیکتر خواهد ساخت.

انتقال مفاهیم ندارد. به عبارت دیگر، کارکرد هنر، اشاره ی مستقیم و ارجاع دقیق به یک مفهوم یا انگاره های ذهنی نیست؛ با این حال، بدیهی ست که پاره ای هنرها در انتقال برخی حس ها، قدرتمندتر و مؤثرتر از کلام، عمل می کنند. انتخاب مفهومی به نام «زیارت» که در ذات خود، امری شخصی، درونی و سیال است، به عنوان موضوع عکس و عکاسی، بنا به بحث فوق، پیچیدگی و حساسیت کار را صدچندان می کند. از آنجا که عکس، رسانه ای صامت، فاقد روایت و مبتنی بر نشانه هاست، پرداختن به مضمونی درونی و فاقد بروز بیرونی واحد و مشخص، و خلق اثر عکاسانه در این زمینه با آفت ها و چالش های بسیار زیادی مواجه خواهد بود. بدیهی ست که سخن بر سر ارجاع دقیق به مفهوم زیارت نیست که اساساً کارکرد عکس، چنین چیزی نیست و اگر هم باشد مطلوب نخواهد بود. زیارت، همچون بسیاری از مفاهیم انسانی، جوهره ای دارد از جنس متافیزیک که نادیدنی ست و پوسته ای ظاهری که محمل عکاسانه ی خوبی برای پرداختن به آن جوهره به نظر نمی رسد! آن هم به دو علت: نخست به دلیل تفاوت ماهوی این پوسته و آن جوهره؛ اینکه بازتابی این ظاهر، در نقب زدن به آن باطن چندان موفق نیست و دوم به دلیل تکرار این نشانه ها در عکس های بسیاری که توسط شمار نسبتاً زیادی از عکاسان درطول این سال های اخیر، به کار گرفته شده است... با این حال، همین پوسته و همین ظاهر، یکی از نشانه های شمایی (Iconic) برای مفهوم زیارت محسوب می شود. از سویی، عکاس برای گریز از درافتادن به ساحت شاعر و برخورد سطحی با موضوع، نیازمند پرداختن به عناصری ست که اثر وی را از مواجهه ی صریح و مستقیم با موضوع دور می سازد و از سویی دیگر برای خارج نشدن از چارچوب این مفهوم، و گنگ نشدن بیش از حد اثر، به تلنگرها و اشاراتی